گزیده‌های منهای بیست

گزیده مطالب رازی، بیست سال پیش از این در همین ماه

انتخاب و تدوین از: فرض

مقدمه

زیرعنوان بالا مطالبی از رازی ۲۰ سال پیش در همین ماه ارایه می‌شود. گذشت ۲۴ سال و خرده‌ای از انتشـار اولین شـماره رازی، نامه اعمالمان را آنقدر قطور و سـنگین کرده که بشود گاهی که دلمان تنگ آن روزها می‌شـود به شـماره سـنگین و وزین صحافی شـده هر سـال نگاهی بیاندازیم، تورقی بکنیم، صفحاتی چند از آن‌ها را بخوانیم و... حالمان خوب شود. آنقدر انرژی بگیریم که همچون مدیر مسـؤول محترم و سـردبیر نازنین پا بر زمین محکم کنیم که: «به هر حال ما ادامه خواهیم داد». این سـر زدن‌ها به شـماره‌های پیشین ایده‌ای را در ذهن نشاند که گزیده‌هایی از همان شماره و صفحات مشابه ماه انتشاراتی فعلی‌مان گزین کنیم و شما را نیز در این «دل‌شدگی» با خودمان شریک نماییم.

خواننده‌های قدیمی آن روزها برایشـان زنده می‌شـود و تازه خواننده‌های رازی هم پی می‌برند که بیست سال پیش رازی چه نوشت در مورد عرصه دارو درایران و جهان.

به هر حال، به جستجوی زمان از دست رفته برآمدیم که با قدری اغراق و اغماض و با استعاره‌ای ادبی «بهشت گمشده» دست به قلم‌های رازی بوده است، بهشت گمشده‌ای که گفته‌اند:

«بهشـت گمشـده» همان گذشته‌ای اسـت که برای همیشه از دست داده‌ایم، ولی ما قطعاتی از آن گذشته را درجلدهای صحافی شده از تعرض زمانه مصون داشته‌ایم.

* * *

مطالب این شماره گزیده‌ها به شرح زیر است:

۱ ـ فهرست مطالب در شماره آذر ماه ۱۳۷۳ / به کوشش دکتر مجتبی سرکندی

۲ ـ می‌مانیم ... چون شما خواسته‌اید / مدیر مسؤول ماهنامه دارویی رازی

۳ ـ بازتابِ از دل بر دل

۴ ـ رازی و خوانندگان

فهرست مقالات آذر ماه ۱۳۷۳

تهیه و تنظیم: دکتر مجتبی سرکندی

	عنوان	نام نویسندگان یا مترجمان
سرمقاله	می‌مانیم ... چون شما خواسته‌اید	دکتر سید محمد صدر
علمی	سنتز و نقش بیولوژیک ویتامین D3 در پوست	ترجمه: دکتر مرتضی ثمینی
	اهمیت سنجش سطح پلاسمایی دیگوکسین	دکتر محمدحسین پورغلامی
	سلول‌ها چگونه به استرس پاسخ می‌دهند؟	–
	گونه دیژینال ایران	دکتر نصرالله قاسمی، دکتر محمد آزادبخت
	کریپتوسپوریدیوز و درمان	دکتر حسین نهروانیان
	آشنایی با پایان‌نامه‌های داروسازی	–
اجتماعی	مشیت الهی	دکتر محمود بهزاد
	آشنایی با سازمان انتقال خون ایران	–
	در بازار کتاب	دکتر روشن‌ضمیر
	ارایه خدمات بالینی در داروخانه	دکتر سیدعلی فاطمی
	یک پروتکل جدید درمانی	از دکتر جوان
	دیدگاه‌ها	–
	بازتاب از دل بر دل	–
	رازی و خوانندگان	–
	راهنمای درخواست اشتراک ماهنامه دارویی رازی	–
	گردهمایی‌های علوم پزشکی	–

میمانیم ...
چون شما خواسته‌اید

آن هنـگام که بی‌ریا، دلتنگی‌ها و غصه‌هایمان را در سـرمقاله مرداد ماه با عنوان «از دل، بر دل» مطرح کریدم، تاریکی بر راهمان سـایه افکنده، بغض تلخ راه گلویمان را سد کرده بود و بر گوشه چشممان و پهنای رخمان گرمای اشـک احساس می‌گشت. طی این پنج سال که بودیم و بودید، تمامی تلاش و بضاعتمان را در جهت غنی‌تر ساختن ماهنامه به‌کار می‌گرفتیم. جوانان این جمـع، از باتجربگان دروس عملی روزنامه‌نگاری، ویرایش و ... فرا گرفتند و تا بدان حد رشد کردند که بر اساتید خود می‌شوریدند.

ماهی یک بار در جمعی صمیمی به کنار هم می‌نشستیم و کوچک و بزرگ از یکدیگـر و از ماهنامـه انتقاد می‌کردند، این انتقـادات اگر به واقع صحیح و منطقی بود که در بسیاری از موارد چنین بود، ضبط و ثبت می‌گشت و مصرانه تعقیب می‌شـد، از سـوی دیگر نامه‌های پر از مهر و لطف شما با دقتی خاص مطالعه می‌شد تا ایرادات و معایبی که خود به ذهنمان نمی‌رسید و شما مطرح می‌کردید، رفع گردد.

مهر ما به شما و علایق شما به ما آن‌قدر پیشر فت کرد که حتی بعضی در نامه‌هایشان مشکلات علمی و بالاتر از آن مشکلات زندگی خصوصی‌شان را مطرح می‌کردند و از ما راه حل می‌خواستند.

با تمام این اوصاف، براسـاس یک تصمیم از پیش گرفته شـده و غیرقابل انعطـاف، پرداخـت هزینه‌های ماهنامـه از محل درآمد ژنریک قطع گشـت. تاریکی راهمان و بغض دلهایمان گرچه به اضطراب می‌انداختمان اما با توکل به خدا، مسایل خودمان را مثل همیشه، صادقانه مطرح کردیم. از شما دوستان پرسیدیم: «بمانیم؟» و ...

پژواک و انعکاس آن سرمقاله، آن‌چنان گسترده بود که خودمان هم باورمان نمی‌شـد. کسـانی بسـیار با نامه‌های کوتاه یا بلند اما پرعاطفه‌شان ماندگاری

«رازی» را به جد طلبیده بودند.

ما هم کوشـیدیم با درج بخش‌های مختصری از انبوه آن پاسـخ‌ها شما را در شادی خود سهیم گردانیم.

کسانی اما با حضور خود در دفتر ماهنامه یا تلفن، مصرانه خواستند بمانیم و با توکل بر خداوند و یاری خوانندگانمان مشکلات را حل کنیم.

یکـی از اعضـای جوان هیـات تحریریه تعریف می‌کرد که اسـتاد ارجمند و سـالخورده‌ای در غیاب مدیر مسـؤول به دفتر ماهنامه تلفن کردند و چون مدیر مسـؤول ماهنامه نبودنـد، با این دکتر جوان صحبت کرده بـود، وی گفته بود: می‌خواسـتم تشـکر خود و دیگر دوسـتانم را از زحمات شما بیان کنم و بگویم بمانید، ما هم یاریتان می‌کنیم و ادامه داده بودند:

در دیده دل جلوه‌گـرت می‌بینم

هر لحظه به شکل دگرت می‌بینم

هر بـار که در دیه دل می‌گذری

از بـار دگر خوبتـرت می‌بینم

خلاصه کلام آن که:

یوسف از راستی رسید به تخت

راستی کن، که راست گردد بخت

با خوشـحالی تمام، در جمعی دوستانه ـ نشست هیات تحریریه ـ به رای‌زنی پرداختیم، پیشنهادات شما و نظرات خودمان را مورد بحث قرار دادیم، بر سر هر کدام تامل کردیم. عده‌ای خواستار آن شدند که هزینه‌ها را بکاهیم و این ممکن نبود مگر به استفاده از کاغذهای نامرغوب برای مجله، تعویض پاکت و ... نتیجه بحث این شد: تا حدی که به کیفیت ماهنامه لطمه‌ایی نخورد، هزینه‌ها کاهش یابد.

عده‌ای دیگر اسـتفاده از تبلیغات و پذیرش آگهی تبلیغاتی را مطرح نمودند. مشکلات عدیده‌آی در این زمینه وجود دارند که عبارتند از:

۱ ـ دایمی و پیوستگی نبودن این‌گونه آگهی‌ها با توجه به زمینه علمی مجله یعنی گروه پزشکی.

۲ ـ و از سـوی دیگر، با توجه به خط مشـی مجله مبنی بر دفاع از اسـتقلال علمی و اقتصادی کشور و ژنریک، پذیرش آگهی‌های خاص را تحمیل می‌کند.

۳ ـ عدم سـوددهی بسیاری از آگهی‌ها، چرا که هزینه چاپ‌های چهاررنگ و رنگی عملاً آن‌قدر بالاست که باقی‌مانده آن در طول یک سال، نمی‌تواند هزینه

یک ماه ماهنامه را تکافو کند. بنابراین، نتیجه این بحث همچنین شد:

■ برای کاهش حق اشتراک، ماهنامه آگهی‌هایی که با استقلال علمی و اقتصادی کشور و ژنریک مغایرت نداشته باشد، بپذیرد.

اما بحث عمده و طولانی بر سر تعیین میزان حق اشتراک، زمان دریافت آن و ... بود. محورهای اصولی بحث تعیین میزان حق اشتراک برای دانشجویان و شاغلین گروه پزشکی بود. بسیاری از دوستان با توجه به عدم توان اقتصادی دانشجویان خواستار آن شدند که تخفیفی برای این گروه قایل شویم. بحث‌های دیگر طولانی و ملال‌انگیز اما اجتناب‌ناپذیر بودند، بنابراین از ذکر کلیات بحث خودداری نموده و تصمیمات هیات تحریریه را به شرح ذیل به آگاهی شما عزیزان می‌رسانیم:

۱ ـ از فروردین ماه سال ۱۳۷۴ ارسال ماهنامه به‌صورت رایگان، به‌طور کلی قطع می‌شود.

۲ ـ فرصت برای دریافت فرم تکمیل شـده تقاضای اشـتراک حداکثر پایان بهمن سال جاری خواهد بود. (برای دریافت نشریه از اول فروردین ماه ۱۳۷۴).

۳ ـ هزینه اشتراک سالیانه برای پزشکان، دکترهای داروساز، دندانپزشکان و نیز سایر دست‌اندرکاران حرف پزشکی، کتابخانه‌ها و مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی با احتساب نسبی کلیه هزینه‌ها و مخارج پستی مبلغ ۱۸,۰۰۰ ریال در نظر گرفته شد.

۴ ـ هزینه اشتراک برای کلیه دانشجویان گروه پزشکی برای شش ماهه مبلغ ۴,۵۰۰ ریال و یک ساله، مبلغ ۸,۰۰۰ ریال تعیین گردید.

بنابراین، دوسـتانی که مایل به اشـتراک ماهنامه دارویی رازی با شیوه جدید باشند، قبول زحمت فرموده و فرم مندرج در آخرین صفحه این شماره را تکمیل و آن را همراه با اصل فیش پرداخت حق اشتراک به بانک مربوطه، به دفتر ماهنامه ارسال دارند. حداکثر زمان برای دریافت تقاضای اشتراک پایان بهمن سال جاری (۱۳۷۳) خواهد بود (برای دریافت نشریه از اول فروردین ماه ۱۳۷۴).

ارسال سریع‌تر مدارک موجب تسهیل در صدور کارت اشتراک شما و دریافت سـریع‌تر ماهنامه به‌دست شما خواهد بود. قبلاً از همکاری شما در سازمان‌دهی بهتر توزیع ماهنامه خودتان سپاسگزاری می‌کنیم.

امیدواریم انجام این تصمیم که برگرفته از نظریات ارایه شده شما عزیزان است بتواند به تداوم انتشار نشریه کمک و همگی ما را در جهت اهداف مقدس انقلاب اسلامی که رشد و تعالی علمی از جمله آنان است، موفق بدارد.

مدیر مسؤول ماهنامه دارویی رازی

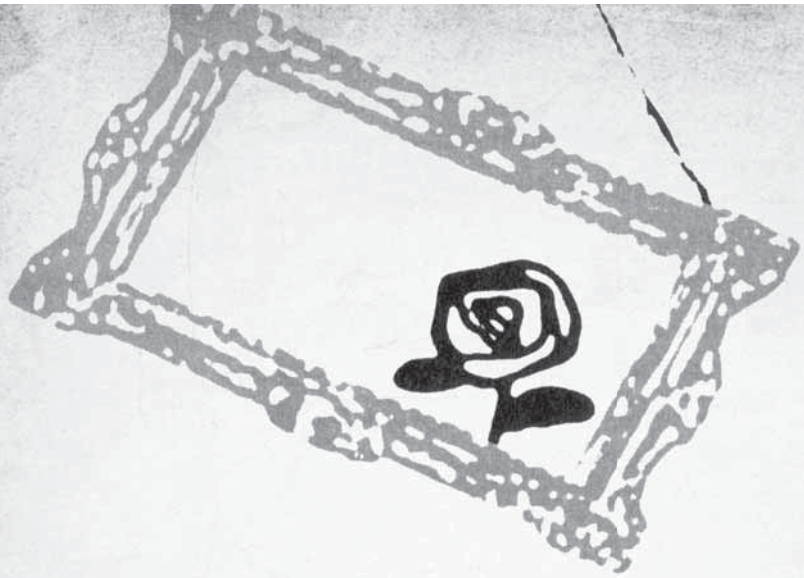

بازتابِ از دل بر دل

■ **مقدمه**

وقتی مساله احتمال قطع بودجه ماهنامه «رازی» مطرح شـد و مقرر گردید که مشـکل با صراحت و صداقت برای خوانندگان ماهنامه توضیح داده شود تصور پژواکی چنین دلگرم‌کننده را نداشتیم.

هنـوز ۱۰ روز از توزیـع ماهنامه مـرداد، حاوی سـرمقاله «از دل، بر دل» نمی‌گذشت که نامه‌های شـما عزیزان خواننده به دفتر رازی سـرازیر شـد. دانستیم که تنها نیستیم ـ ما تن‌ها (اهالی اقلیم درمان و دارو) ـ بسیاریم. دانستیم که ۵ سال انتشار مداوم جایی را در قلبی برای «رازی» فراهم آورده است.

دانسـتیم که می‌توانیم روی کمک‌های شما ـ و نه ضرورتاً مادی ـ حساب کنیم. برای درج گوشه‌ای از نظرات شـما صفحه «بازتابِ از دل بر دل» را به درج نوشته‌های شما اختصاص دادیم. بعضی نوشته‌ها عیناً کلیشه شده و در مواردی بخشی از نامه به چاپ رسیده است. دست گرم و مهربان شما را می‌فشاریم.

■ **آقای دکتـر محمود بهـزاد، عضو افتخاری تحریریه رازی**

در پاسخ به سرمقاله مرداد ماه ـ از دل، به دل ـ ما را غرق مراحم خود نموده‌اند. به حرمت پیش‌کسوتی ایشـان عین نامه‌شان را در «صفحه مقابل» کلیشه می‌کنیم:

□ جناب دکتر بهزاد که بر گردن تمامی داروسـازان کشـور حق استادی و سروری دارند، با این کارشان (ارسال وجه) ما را خجالت‌زده کردند. ضمن فشردن دست این عزیز مبلغ ارسالی را عودت می‌دهیم. آقای دکتر بهزاد به گونـه دیگری رازی را از الطاف خود برخوردار می‌فرمایند.

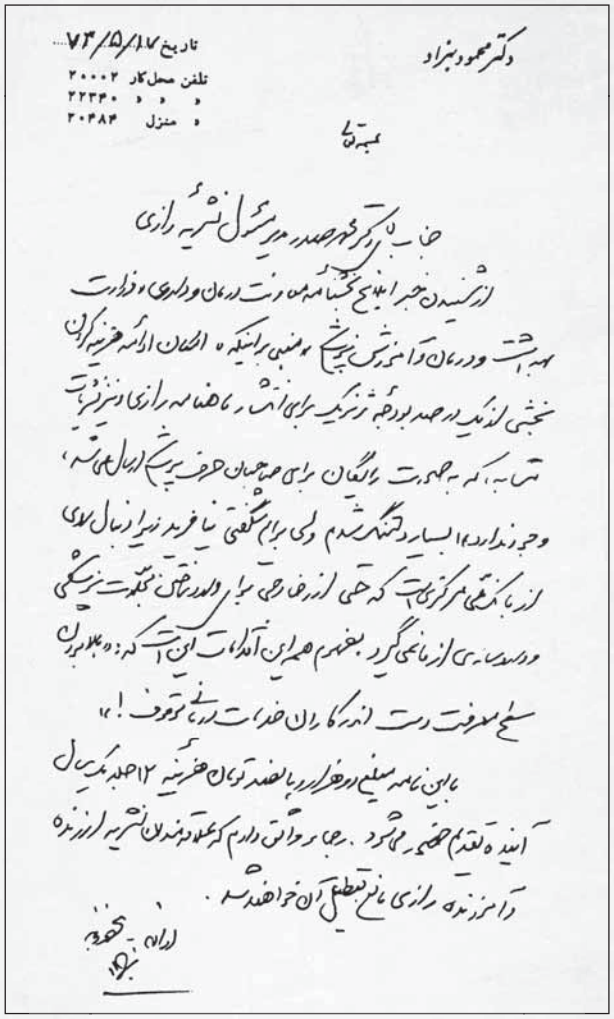

دکتر محمود بهزاد

تاریخ ۷۳/۵/۱۷

تلفن محل کار ۲۰۰۰۲
« « « ۲۲۳۴۰
« منزل ۲۰۴۸۴

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر شهرصدر مدیر مسئول نشریه رازی

از شنیدن خبر انتشار مجله معاونت درمان وداروی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مبنی بر اینکه «امکان ادامه هزینه کردن بخشی از کمک در صدد بودجه نشریه برای انتشار مجله رازی و نشریات تشابه، که به صورت رایگان برای صاحبان حرف پزشکی ارسال می‌شد، وجود ندارد» بسیار دلتنگ شدم ولی برایم شگفتی نیافرید زیرا زبان لاری از بانگی مرکزی است که حتی از رفاه حق برای دانشگاه تجلیات پزشکی و دانشسرای از بانی گیرد. بفهمم همه این اقدامات این است که: «بالا بردن سطح معرفت دست اندرکاران خدمات درمانی موقوف!»

با این نامه مبلغ دو هزار و پانصد تومان هزینه ۱۲ جلد یک سال آینده تقدیم خواهد می‌شود. جا دارد و واثق دارم که علاقه‌مندان نشریه ارزنده و آموزنده رازی مانع تعطیل آن خواهند شد.

ارادت - بهزاد

■ آقای محمدحسین بابایی، دانشجوی سال پنجم داروسازی (مشهد)

«... با دریافت شماره مرداد و مطالعه سرمقاله آن واقعاً احساس ناراحتی کردم ... اینجانب به سهم خودم حاضرم مبلغ ده تا پانزده هزار ریال بابت ادامه چاپ مجله اهدا نمایم، همچنین از شما دست‌اندرکاران محترم تقاضا دارم از تلاش خود برای ادامه کار مجله نکاهید و حالا که مجله روی غلطک افتاده آن را از حرکت باز ندارید. من حدود ۴ سال است که مشترک نشریه هستم و هر ماه تمام آن را مشتاقانه مطالعه می‌کنم».

□ ما هم از لطف و بزرگواری شما سپاسگزاریم و به

جد می‌کوشیم هرطور که شده تداوم انتشار «رازی» را امکان‌پذیر گردانیم.

■ آقـای دکتر سـیدمجتبی عمادی، پزشـک (اصفهان)

«... در پاسخ به سرمقاله (از دل به دل)، اینجانب قیمت مجله را هر مبلغ که معین و مشخص فرمودید با کمال میل و رغبت خواهم پرداخت».

□ از مراحم جناب دکتر عمادی ممنون و متشکریم.

■ خانم‌هـا: فـروغ داودی، ماندانـا رحمتـی نوشین احمدی، محبوبه جنایی و جمع کثیری از دانشـجویان سـال آخر داروسازی شهید بهشتی ـ تهران

«به نظر ما کار چاپ و انتشار ماهنامه به هر قیمتی که شده باید ادامه یابد چرا که تنها مرجع جامع ـ به زبان فارسی ـ در مورد جنبه‌های مختلف داروسازی بوده لذا مورد اسـتفاده بسیاری از علاقمندان است. ... در هر حال به‌نظر می‌رسد که پرداخت مبالغی در ازاء دریافت نشریه، خوانندگان و مصرف‌کنندگان آن را واقعی‌تر خواهد نمود.

... چنانچه بتوانید بخشی از هزینه‌ها را به‌گونه‌ای تقلیل داده یا از کسانی به جز مشترکین دریافت دارید پرداخت قیمت از سوی ما ـ دانشجویان ـ قابل اجرا و شدنی خواهد بود.

□ از این دوستان عزیز و جوان که با بودجه دانشجویی خـود حاضرند در چنین شـرایطی به یاری ماهنامه بیایند، بی‌نهایت سپاسـگزاریم. قطعاً اگر تصمیم به قبول اشتراک گرفتیم، سعی می‌کنیم رقم درخواستی را برای عموم به «حداقل» و برای دانشجویان بسیار کمتر از آن حداقل تعیین نماییم.

■ آقـای مجیـد عبدلاشـاهی ـ دانشـجوی پزشکی (کاشان)

«... اینجانـب که از علاقمندان نشـریه هسـتم حاضرم تمام مبلغ اشـتراک یک سـال را که فعلاً براساس قیمت هر شماره ۱۲۰۰ ریال معادل ۱۴۴۰۰ ریال می‌باشد، پرداخت نمایم و تصور می‌کنم که سایر خوانندگان و مشـترکان آتی هم بتوانند مبلغ مذکور را تقبل نمایند ... به هر حال همه خواهیم کوشـید که مانع از قطع انتشـار این نشریه مفید و ارزشمند شـویم. لطفاً در شـماره‌های آتی نحوه اشتراک را مشخص بفرمایید.»

□ با امتنان، در شماره‌های آتی ماهنامه جزییات امر به آگاهی علاقمندان خواهد رسید.

■ آقـای دکتـر بیـژن سـوداگری، داروسـاز (آشتیان) کلیشه نامه در صفحه مقابل

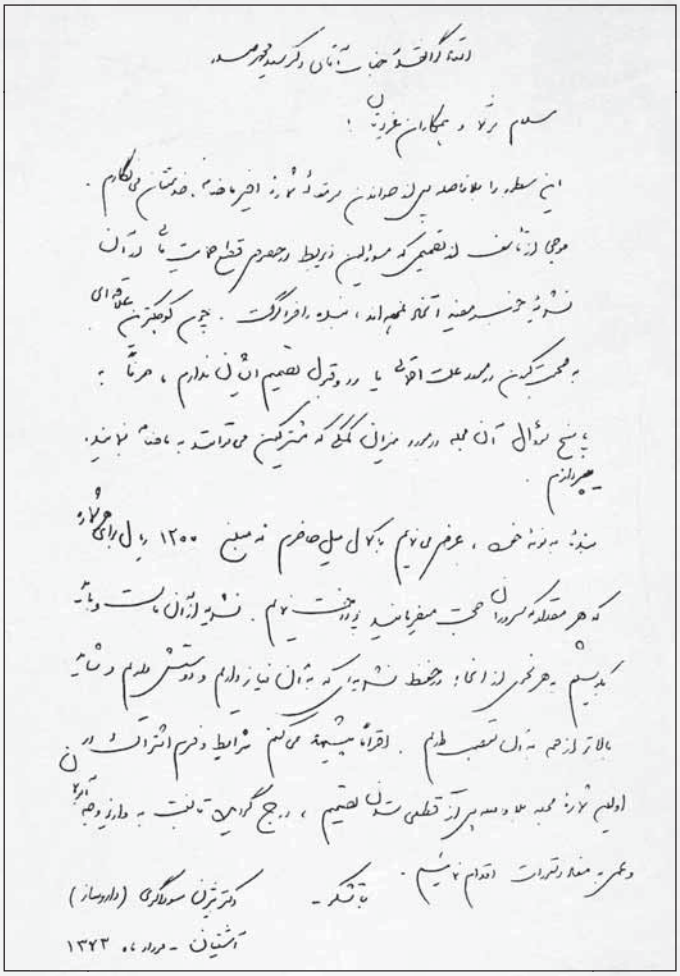

■ **آقـای محمدهـادی معتمـد، دانشـجوی داروسازی (شیراز)**

«... متاسـفانه ناروایی‌هایی که در حق بسـیاری از مجـلات فرهنگی و علمی روا می‌شـد، امروز به «رازی» رسیده اسـت، چگونه می‌توان توجیه کرد که ماهنامه‌ای بـا چنین تیراژی و انبوه علاقمندان جوانش، به تعطیلی کشـانیده شود در حالی‌که شاید بتـوان با کم کـردن هزینه‌های اضافـی بعضی از سـمینارها و ... تمام یا بخشی از هزینه انتشار آن را تأمین نمود.

... بنده و دوستانم قیمت ۶۰۰ تا ۸۰۰ ریال برای هر شماره را متناسب با بودجه خویش دانسته حاضر به پرداخت آن هستیم. ضمناً شما می‌توانید با پذیرش آگهی نیز بخشی از مخارج ماهنامه را تامین نمایید».

□ علی‌رغم دشواری‌های پذیرش آگهی، روی چنان امکانـی نیز در حال مطالعه هسـتیم. به هر حال از نظر مسـاعد شما نسبت به نشـریه خودتان اظهار امتنان می‌نماییم.

■ خانم فاطمه زنبوری، دانشجوی داروسازی (تبریز)

«اینجانب از مشترکین راسخ و دوستدار این نشریه علمی می‌باشم. ... و به اطلاع می‌رسانم که به‌دلیل شرایط خاص دانشجویی، میزان نیمی از هزینه مورد نظر را به‌عنوان حمایت از تداوم انتشـار این نشریه می‌توانم به‌عهده بگیرم.»

□ سلامت بمانید و پایدار. ممنونیم.

■ آقـای دکتر حسـن عبدالله‌زاده، از شـبکه بهداشت و درمان (سبزوار)

«... اینجانب تمایل خویش را برای دریافت ماهنامه تحت هر شرایطی اعلام می‌دارم و در این امر از هیچ کمکی دریغ نخواهم کرد».

□ جز «سپاس» چه بگوییم؟

■ دکتر کامیار نقی‌زاده، داروساز (تهران)

«... نشریات و کتاب‌هایی که در راه آموزش صحیح افراد جامعه به چاپ می‌رسد، دور از انصاف است که قیمتی بر ایشان تعیین شود علی‌رغم این بنده با در نظر گرفتن خیلی مسایل، مبلغ ۱۵۰۰ ریال را پیشنهاد می‌کنم. سنگر پیشرفت علم پزشکی با همکاری و همیاری کادر پزشـکی کشور را به هر قیمتی باشد باید حفظ نمود».

□ این خواست ما نیز هست. از لطفتان ممنونیم.

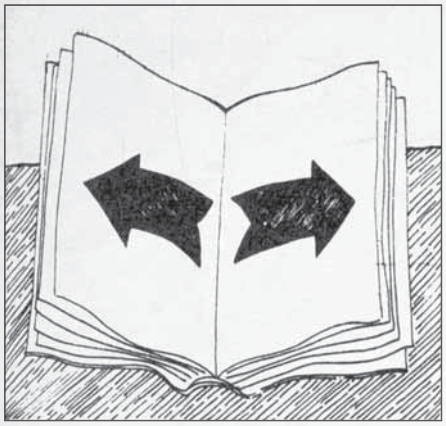

■ آقای دکتر جعفر رئیسی، پزشک (تهران)

«... با اظهار تأسف از گرفتاری‌های ماهنامه رازی که واقعاً یکی از نشـریات با ارزش علوم پزشکی و داروسازی کشورمان است به‌نظر اینجانب صلاح در این اسـت که مثل کلیه مطبوعات علمی، سیستم آبونمان به اجراگذاشته شود، اطمینان دارم ۹۵ درصد آن‌هایی که ماهنامه را دریافت می‌دارند مبلغ آبونمان را با رغبت پرداخت خواهند کرد.»

□ حتی اگر ۵۰ درصد دریافت‌کنندگان ماهنامه آماده پذیـرش آبونمان شـوند، «رازی» از مهلکه تعطیل خواهد رست.

■ آقای آرمان جدی، فوق‌لیسانس داروسازی (کرج)

«... اینجانب جهت اشتراک ماهنامه، با کمال میل حاضر به پرداخت هزینه اشتراک ماهنامه و نیز هزینه ارسال آن می‌باشم.»

■ آقـای دکتـر فـراز مجـاب، دسـتیار رشـته فارماکوگنوزی (تهران) کلیشه نامه در صفحه مقابل:

۷۳/۵/۲۲

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر سید محمد صدر، سلام علیکم

سرمقاله شما را در مجله رازی - شماره ۵۵ مرداد ماه خواندم. راستی چه باید کرد!

بیشتر دس امنیت که به کار خود دانشگاه رازی ادامه دهید. برای کاهش هزینه‌های تمام شده مجله چند راه به نظرم می‌رسد که خدمتتان عرض می‌کنم.

اول آنکه آگهی بپذیرید. با پذیرفتن آگهی از محصولات پزشکی و دارویی، اینگونه موارد را به این خوانندگان تبلیغ کنید.

دوم آنکه صفحات سفید مجله را کم کنید. مثلاً در همین مجله شماره ۵۵، شاید بتوان مطالب صفحات اول را در یک صفحه چاپ کرد. همچنین از روی جلد و پشت جلد و داخل های جلد، و صفحات سفید آخر هر جلد می‌توان استفاده کرد.

شاید این کار مستلزم آن باشد که ساختار کلی مجله را تغییر دهید.

سوم آنکه مقاله‌ها را فشرده‌تر چاپ کنید و عکس‌ها و طرح‌های زرد و نامناسب و صفحه‌پردازی را کاهش دهید. حتی می‌توان سوتیترها را حذف کرد. مثلاً می‌توان مقاله "جایگاه جدید داروهای ضدصرع" را به جای ۹ صفحه (در همین شماره) در ۶ صفحه چاپ کرد.

منظور آن نیست که هیچ مقاله‌ای را بدون عکس و طرح و جدول چاپ نکنید، بلکه منظور آنست که از چاپ موارد اضافی خودداری کنید.

شاید بتوان از اوراق ارزانتر استفاده کرد تا هزینه‌ها را کاهش داد. کلاً مقاله‌ها و مطالب را جمع و جورتر چاپ کنید و از یک صفحه سفید حتی‌الامکان استفاده را نباشید. معمولاً صفحه اول هر مقاله را با تیتر بزرگ و عکس یا طرح آغاز می‌کنند که می‌توان اینها را محدود نمود.

می‌توان مطالبی مثل آگهی‌ها و ادبی و شعر خوانندگان را حذف نمود.

مجله شما رقبی ندارد که بخواهد رقابت، شکل مجله را خراب می‌کند. اگر کسی نیاز به کسب اطلاعات علمی داشته باشد دارویی دارد، خود مجله را مطبوع و جذاب خواهد یافت.

اگر شما این قیمت را برای مجله رازی انتخاب کنید، به احتمال زیاد دکترهای داروساز دانشجویان داروسازی توانایی پرداخت آنرا نخواهند داشت. پس بیشتر می‌شود که مانند اکثر نشریات علمی، برای دانشجویان نصف قیمت حساب کنید!

بهرحال این چند پیشنهاد خدمتتان ارائه شد. قطعاً پیشنهادهای دیگری هم خدمتتان ارسال می‌گردد که از بین آنها، مناسب ترینشان را انتخاب خواهید نمود.

هرکاری می‌کنید، بکنید ولی مجله را تعطیل نکنید، زیرا جانشینی ندارد و فقدان آن کمبودی خواهد بود.

موفقیت شما و ادامه انتشار مجله را از خداوند متعال خواستارم. - با احترام - فراز - مجاب

■ **خانم آزیتا رستمی‌پور، دانشجوی سال پنجم داروسازی**

«... بنده دو سال و اندی است که به خیل مشترکین رازی پیوسته‌ام و در این مدت کمتر مجله داخلی را همسنگ آن از نظر کیفیت مطالب و تنوع موضوعات یافته‌ام. از این‌رو، اگر برای ماندگاری نشریه راهی جز پرداخت آبونمان باقی نمانده، با کمال میل حاضر به پرداخت می‌باشم. ضمناً در صورت انجام این امر مبلغ دریافتی از دانشجویان را نصف کنید و ...»

□ در صورت پذیرش مشـــترک، دانشجویان با نرخ دانشجویی آبونه خواهند شد.

■ آقای اسفندیار مالی، دانشجوی داروسازی (یزد)

«... زمانـــی که ســـرمقاله شـــماره ۵۵ (مرداد ماه ۷۳) را خواندم، ســـخن از تعطیل شدن ماهنامه زده بودید، بســـیار متأسف شـــدم چرا که دست بسیاری از دانشـــجویان و همکاران، از چنین مجله‌ای کوتاه می‌شـــود و در ایـــن برهه از زمـــان از نظر علمی و فرهنگی، خود باعث تأسف می‌باشد!

در مورد بهای مجله رازی، با توجه به مشـــکلات تهیـــه مجله، به‌نظر می‌رســـد که دریافـــت وجه از مشترکین عاقلانه باشد اما مبلغ پیشنهادی (۱۲۰۰ ریـــال) (که البته در صفحه دوم مجله ۱۲,۰۰۰ ریال نوشته شده) زیاد است به‌خصوص که بیش از نیمی از خوانندگان رازی را دانشجویان تشکیل می‌دهند و این وجه جهت دستیابی به حداقل اطلاعات علمی و جدید دنیای پزشـــکی و داروسازی، برایشان زیاد است. امید است همچنان کمک‌های خیرانه شرکت ســـهامی دارویی پخش رازی ادامه داشـــته باشد و ســـایر افراد خیراندیش نیز در این راه سرمایه‌گذاری نمایند تا کمافی‌السابق این ماهنامه به‌دست افراد علاقمند برسد.»

■ آقای دکتر رحیم لطفی، پزشک (مشهد)

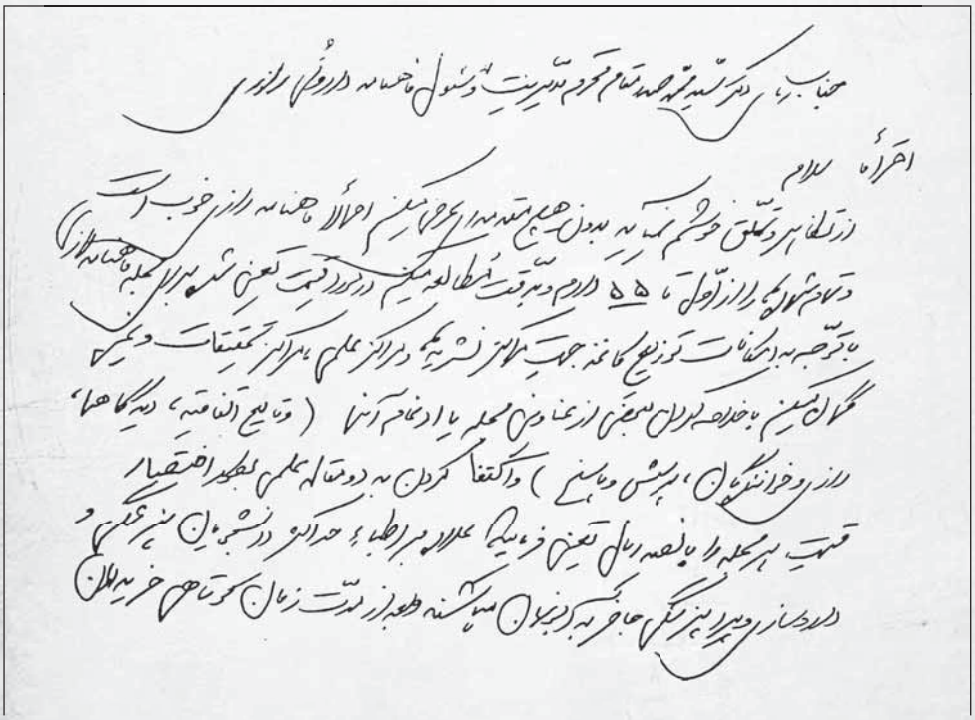

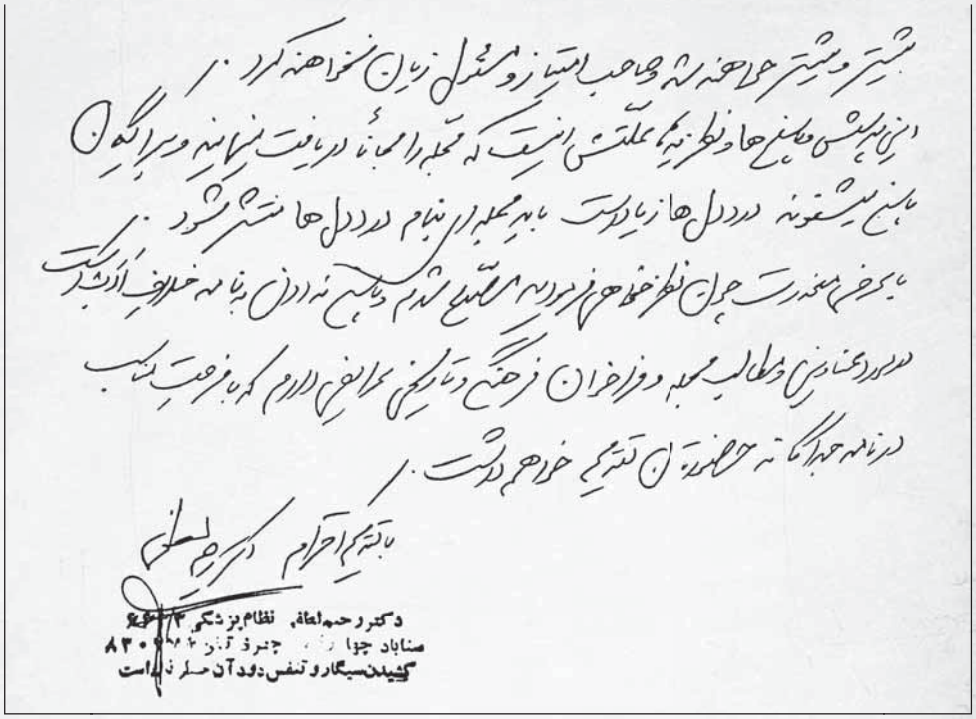

بیشتر و بیشتر خواهند شد و صاحب امتیاز و مشکل زیان نخواهند کرد.
این پیشنهاد و نظریه‌ها و نظریه‌ها علاقه‌ای است که مجله را مجاناً دریافت می‌نمایند و برای کسان
باعث پیشرفت در دل‌ها زیاد است باید مجله برای تمام در دل‌ها منتشر شود.
با عرض معذرت چون نظر خواهی فرموده‌اید مطلع شدم و باعث نه اون بنا مه خلاف آداب است
در مورد عناوین و مطالب مجله و فراخوان فرهنگ و تاریخ پزشکی ایران که با فرصت مناسب
در نامه جداگانه حضورتان تقدیم خواهم داشت.
با تقدیم احترام دکتر رحیم لطفی

دکتر رحیم لطفی، نظام پزشکی
مناباد چوا
کشیدن سیگار و تنفس دود آن ضرر دارد است

■ آقای رمضان برزی، دانشجوی پزشکی شهید بهشتی (تهران)

«خودم را ابتدا معرفی می‌کنم. بنده رضا رمضان برزی،دانشجوی سال چهارم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی می‌باشم و نشریه رازی را از ابتدای فروردین ۷۳ مشترک شده‌ام و شاید از بدشانسی من است که نشریه با این مشکل روبه‌رو شده است.

صداقت شما را در طرح مشکلتان با خوانندگان نشریه می‌ستایم. شما می‌توانستید خودتان تصمیمی بگیرید و در یک شماره نشریه آن را اعلام کنید که مثلاً اگر کسی تا تاریخ فلان، مبلغ بهمان را به حساب نشریه واریز نکند، مجله برایش ارسال نخواهد شد. ولی شما این کار را نکردید و مساله را به خوانندگان‌تان واگذار کردید. اگر چه تصمیم نهایی با شماست ولی به هر حال کار شما قابل تقدیر است.

همان‌طور که خودتان می‌دانید قشر عظیمی از خوانندگان نشریه رازی را دانشجویان تشکیل می‌دهند و خودتان با مشکلات مالی ما دانشجویان آشنا هستید. چه، روزگاری خودتان دانشجو بوده‌اید. با یک حساب سرانگشتی معلوم می‌شود که برای اشتراک یک ساله نشریه مبلغ هزار و پانصد تومان ـ تقریباً ـ باید پرداخت شود و این برای یک دانشجو خصوصاً وقتی باید یک مرتبه آن را بپردازد مبلغ زیادی است. شاید پیشنهاد من منصفانه نباشد ولی به هر حال پیشنهادم این است که به دانشجویان

درصد قابل توجهی تخفیف داده شود (حداقل پنجاه درصد). اعتقادم بر این است که صاحبان مشاغل گروه پزشکی اعم از پزشک و دندانپزشک و داروساز به راحتی قادر به پرداخت این مبلغ و حتی بیش از آن نیز می‌باشند.

نمی‌دانم در رابطه با مبلغی که به علت تخفیف از دانشجویان گرفته نشود چه تصمیمی باید گرفت و این مورد را مثل بقیه موارد به دست توانای خود شما می‌سپارم.»

□ باز تاکید می‌کنیم که شرایط دانشجویان عزیز و ارجمند را مورد توجه قرار خواهیم داد.

■ آقای وحید ابراهیمیان، دانشجوی دندانپزشکی (تهران)

پس از آن که مجله شماره ۷ را دریافت داشتم و سرمقاله «از دل بر دل» آن را مطالعه کردم از مشکلات و معضلات مادی که در پیش راه این مجله پویا قرار گرفته مطلع شدم و از آن‌جا که نظریات مشترکین را در این زمینه خواسته بودید، خواستم که پیشنهاداتی را خدمتتان عرض کنم:

۱ ـ از آن‌جایی که هزینه‌های پستی افزایش یافته و ارسال هر مجله به شهرستان‌ها حداقل مبلغی حدود ۱۰ الی ۱۵ تومان می‌شود، می‌توان از این مبلغ صرفه‌جویی کرد که علاوه بر صرفه‌جویی مزیت دیگری هم دارد و آن این است که اکثر وقت دانشجویان شهرستانی در شهری که دانشگاهشان واقع شده می‌گذرد ولی مجله به آدرس خانه این افراد در شهرستان ارسال می‌شود و هر دانشجوی شهرستانی پس از مراجعه به شهرستان با تعدادی از مجله‌ها برمی‌خورد که تاریخ آن مال چندماه پیش است ولی چنانچه این مجلات به آدرس دانشگاه بیاید هر دانشجو می‌تواند هر ماه مجله جدید دریافت و مطالعه بنماید. لذا پیشنهاد اول من این است که برای دانشجویانی که مشترک هستند به تعداد تقاضاها مجله رازی بدون بسته‌بندی به دانشگاه‌ها ارسال شود و در دانشگاه‌ها با توجه به لیست متقاضیان، دانشجویان مجله را دریافت دارند که در این صورت در هزینه پستی و همچنین هزینه بسته‌بندی صرفه‌جویی خواهد شد.

۲ ـ پیشنهاد دوم این است که، از کسانی که شاغل هستند و به عبارتی درسشان تمام شده اعم از پزشک دکتر داروساز و دکتر دندانپزشک درخواست شود که حق اشتراک بپردازند و برای هر مجله مبلغی حدود ۱۵۰ تومان بپردازند که در این صورت حق اشتراک سالانه چیزی حدود ۱۸۰۰ تومان می‌شود که فکر می‌کنم برای یک پزشک پول ناچیزی باشد و به راحتی قادر باشند این مبلغ را بپردازند.

۳ ـ پیشنهاد سوم این است که اگر پیشنهادات قسمت ۱ و ۲ اجرا شد ولی باز هم نیاز به کمک بیشتر بود از دانشجویان نیز حق اشتراک دریافت شود البته به میزان کمتر مثلاً برای هر نشریه مبلغ ۵۰ تومان در نظر گرفته شود که حق اشتراک سالیانه چیزی حدود ۶۰۰ تومان می‌شود که امیدوارم دانشجویان قادر به پرداختاین حق اشتراک باشند.

امیدوارم که با کمک و مساعدت مشترکین و همچنین مسؤولان، این مجله بتواند همچنان به فعالیت خود ادامه دهد.

□ با عرض تشکر از برخورد مثبت شما و نیز ارایه راه‌های برون‌رفت از مشکل.

■ آقای مهدی نیرومند، دانشجوی سال پنجم دامپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی (کرج)

ایشـــان در بخشـــی از نامه محبت‌آمیزشـــان به دست‌اندرکاران رازی چنین نوشته‌اند:

«... آنچه با هر شـــماره ماهنامه رازی به دست ما می‌رسد فراتر از آن است که با مسایل مادی سنجیده شود. ولی آنچه امروز در جامعه ما حاکم است برای بسیاری از دانشجویان و محققان و افراد اهل مطالعه و با توجه به قیمت بالای کتب و سایر مجلات علمی تهیه آن‌ها کم‌کم چیزی دورتر از دسترس می‌شود و این مساله بسیار جای تأسف است که مسؤولین امور تاکنون به آن بی‌توجه بوده‌اند.

ماهنامه وزین رازی با توجه به مطالب تخصصی و مخاطبان آن که کسانی جز جامعه علمی و دانشگاهی کشور نیستند جای خود را در بین مشتاقان گشوده و این نشریه اصیل علمی فارغ از مسایل مادی تاکنون ثمران آن در کشور بیشتر از هرگونه سود مادی بوده است. افزایش سطح اطلاعات جامعه پزشکی، نتایج آخریـــن تحقیقات علمی، نتایـــج آخرین مقاله‌های منتشره در معتبرترین مجله‌های پزشکی دنیا و ترجمه و بررسی آخرین کتب تخصصی منتشر شده چیزی است که با ده‌ها کنگره و کنفرانس علمی و با هیچ سرمایه‌ای نمی‌توان به آن رسید و این مساله‌ای است که با یک نشـــریه اصیل علمی در سراسر کشور به دست متخصصین و افراد دانشگاهی می‌رسد.

اشتراک ســـالیانه حدود ۱۵,۰۰۰ ریال شاید برای بسیاری از متخصصان و آنان که فارغ‌التحصیل شده و شاغل می‌باشند مبلغ ناچیزی باشد ولی مسلماً برای بسیاری از دانشجویان که هزینه‌های بسیاری را در ضمن تحصیل متحمل می‌شوند از جمله هزینه رفت و آمد، تهیه جزوات و کتب درســـی و هزینه مسکن برای آنان که در شهر دیگری مشغول تحصیل بوده و قادر به استفاده از امکانات خوابگاهی نیستند، همه و همه از مسایلی است که امروزه بر دوش دانشجو است و مبلغ فوق قابل توجه بوده و هستند کسانی که توان پرداخت چنین مبلغی را جدای از هزینه پست و انتقال نداشته باشند. با تمام این مسایل آنچه در توان ما شاگردان کوچک شما باشد در جهت حمایت و یا ســـهم کوچکی در انتشار و تداوم این نشریه گرانبها هرگز از آن دریغ نخواهیم کرد.»

□ بـــه ملاحظات مـــورد اشـــاره ایشـــان «در مورد دانشـــجویان» ما نیز واقفیم و هنگام تصمیم‌گیری آن را ملحوظ خواهیم داشت.

■ آقای دکتر منوچهر معدل، داروساز (انزلی)

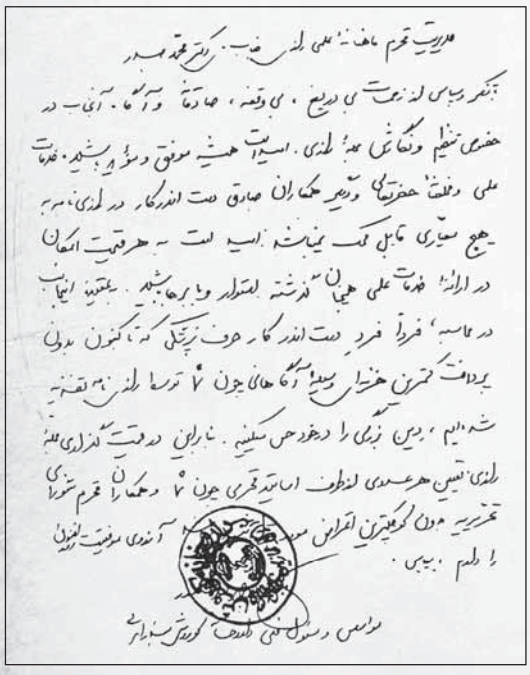

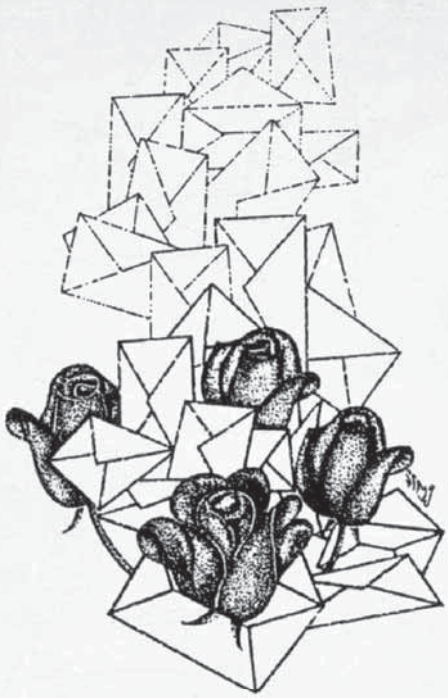

رازی و خوانندگان

■ آقای مهرداد بهنام‌آرا، دانشجوی پزشکی (اصفهان)

اینجانب مهرداد بهنام‌آرا دانشجوی دوره بالینی دانشکده پزشکی اصفهان ماه قبل (اردیبهشت ۷۳) نامه‌ای به ماهنامه محترم رازی نوشتم در رابطه با طولانی بودن دوره پزشکی (به عقیده بنده و بسیاری از دوستانم) و کم شدن نیاز جامعه فعلی به اطباء عمومی بنده در آن نامه چنین نوشتم که با کوتاه کردن دوره پزشکی عمومی، مرحله تخصصی بلافاصله پس از آن و برحسب علاقه فرد و نیاز جامعه ادامه یابد و کلاً پس از ۸ سال یا کمی بیشتر یک پزشک متخصص تحویل جامعه بدهیم که از هر حیث به درد اجتماع بخورد و مفید فایده باشد که گویا متاسفانه بنده نتوانسته‌ام منظور خود را به‌طور صحیح و کامل تفهیم کنم و این‌طور استنباط شده بود که نظر من این است که دوره پزشکی فقط ۴ سال بشود و بس (که در جواب بنده در شماره خرداد ۷۳ مرقوم فرموده‌اید که پس شما لیسانس پزشکی بگیرید نه دکترای حرفه‌ای!) به‌نظر شما این همه پزشک عمومی که هر سال فارغ‌التحصیل می‌شوند و سال به سال هم بر تعدادشان افزوده می‌شود چه دردی را دوا می‌کنند؟ در حالی‌که الان در دورافتاده‌ترین نقاط ایران که شاید آب و برق ندارند حداقل یک پزشک عمومی دارند و

در شهرها هم که وضعیت روشن است و نیازی به توضیح نیست. این تنها عقیده بنده نیست بسیاری از دوستان و همکلاسان من نیز با من موافقند. در خاتمه خواهش می‌کنم چنانچه نامه‌ای را مطرح می‌فرمایید همان‌طور که عنوان شده است مطرح بفرمایید تا موافقان و مخالفان احتمالی روشن شوند (نه آن‌طور که خودتان می‌خواهید) البته این جسارت بنده را می‌بخشایید.

□ به‌طوری که ملاحظه می‌فرمایید اوامر این دوست جوان اطاعت شد. به هر حال امیدواریم تلخیص ناگزیر نامه‌ها را بر ما ببخشایید و آن را حمل بر «طرح نامه‌ها به‌گونه‌ای که خودمان می‌خواهیم» نفرمایید.

■ خانم مری حسنی، دانشجوی داروسازی دانشگاه آزاد (تهران)

«... در ماهنامه خرداد مقاله‌ای داشتید در مورد بیماری لایم که از ناقل آن یعنی «کنه» صحبت شده بود اما تصویر چاپ شده در متن مقاله «کک» بود که ربطی به مقاله نداشت ...»

□ از حسن توجه این همکار جوان متشکریم، ایراد ایشان وارد است. در جلسه ماهیانه نقد ماهنامه هم این ایراد مطرح شد. به‌عنوان شوخی شاید بشود گفت به علت دشواری در یافتن یک تصویر مناسب از «کنه» از تقریباً مشابه!! آن استفاده شده بود! ولی گذشته از شوخی بایستی خاطرنشان نماییم که مسؤولیت انتخاب عکس با نویسنده یا مترجم نیست و عمده عکس‌هایی که در ماهنامه کار می‌شود جنبه تزئینی دارد. امیدواریم با غنی شدن آرشیو عکس نشریه چنین اشکالاتی به حداقل برسد.

■ خانم آنا کبیر، دانشجوی سال آخر داروسازی (اصفهان)

در نامه ایشان از ما خواسته شده تا سؤالاتشان را برای مسؤولین محترم مطرح نماییم:

«**۱ ـ** با توجه به پذیرش تعداد کثیری دانشجوی داروسازی (در هر سال) آیا در مورد حفظ کیفیت آموزشی این افراد و نیز آینده شغلی آن‌ها فکری شده است؟

۲ ـ به‌نظر می‌رسد که اندوخته‌های علمی دانشجویان، محلی برای مصرف ندارد.»

□ متاسفانه با توجه به مشکلات اقتصادی موجود نگرانی ایشان و نیز سایر دانشجویان از آینده حرفه‌ای زیاد بی‌جا نمی‌نماید. امیدواریم با توضیحات مسؤولین این دلواپسی‌ها تخفیف پیدا کند.

■ آقای ابراهیم تاجریان، دانشجوی سابق پزشکی از دانشگاه تشرین (سوریه)

ایشان به علت مشکلاتی بعد از سال دوم به کشور بازگشته و در حال حاضر در رشته زیست‌شناسی دانشگاه پیام نور مشغول به تحصیل هستند ... و سرانجام درخواست اشتراک ماهنامه را نموده‌اند.»

□ نام ایشان در لیست مشترکین ماهنامه قرار گرفت. امیدواریم با رفع گرفتاری‌ها مجدداً به تحصیل در رشته مورد علاقه خود بپردازند.

■ آقای دکتر حمیدرضا هندی، پزشک (اراک)

«مقاله درد نوشته آقایان دکتر بهمن مالک و دکتر محمد شریفی در شماره خرداد ماه ۷۳ را خواندم. چاپ چنین مقالاتی که به حیثیت و اعتبار پزشکان زحمتکش خدشه وارد می‌کند، چیز جدیدی نیست.

جهت یادآوری، چند سطر از آن مقاله را به اطلاع می‌رسانم:

۱ ـ صفحه ۶۱ ستون دوم سطر ۱۱: «موضوع تسکین درد جزو مواردی است که در اغلب دانشکده‌های پزشکی به خوبی به دانشجویان آموخته نشده.»

۲ ـ صفحه ۶۱ ستون دوم سطر ۱۴: «در پزشکان غیرمتخصص، اغلب این تفکر وجود دارد که بسیاری از دردها به خودی خود از بین می‌روند و احتیاجی به تسکین ندارند.»

۳ ـ صفحه ۶۱ ستون دوم سطر ۲۸: «بعضی از اوقات مشکل از آنجا شروع می‌شود که پزشک به بیمار مبتلا به یک درد مزمن و مقاوم به درمان می‌گوید: درد شما خیالی است و وجود خارجی ندارد و شما سالم هستید.»

۴ ـ صفحه ۶۳ ستون دوم سطر ۱۶: «به علت عدم اطلاع بسیاری از پزشکان در مورد تسکین درد آن‌ها (بیماران سرطانی) و عدم ارجاع به موفع بیمار درمان مناسبی روی این افراد صورت نگرفته است.»

لطفاً به اطلاع نویسندگان بی‌انصاف آن مقاله برسانید: قبل از آن که از کار پزشکان ایراد بگیرید به کار داروسازانی که در داروخانه خود به جای پول خرد، قرص آسپرین بچه به مردم می دهند رسیدگی کنید.»

□ به آگاهی این پزشک محترم می‌رسانیم که نویسندگان مقاله «درد» هر دو پزشک بوده و در کار خود صاحب‌نظر هستند و تصور نمی‌رود که قصد آن‌ها خدای ناکرده توهین به اعتبار پزشکان زحمتکش بوده باشد. به هر حال ضمن آن که مطلب (نقد؟!) این دوست عزیز را درج نمودیم، نتوانستیم علت تعمیم انتقاد ایشان به داروسازان را (در دو سطر پایانی نامه) درک نماییم؟!

■ آقای مهدی پوراصغر، دانشجوی سال آخر پزشکی (اصفهان)

ایشان در پی خواندن مطلب «حدیث مکرر» در ماهنامه آبان ۷۲ سؤالاتی را مطرح کرده‌اند:

در طول این مدت که من هر ماه ماهنامه را خوانده‌ام تا به حال حدیث‌های مکرری از «حدیث مکرر» به چاپ رسیده که نمی‌دانم متاسفانه یا خوشبختانه این حدیث بعد از گرفتن نسخه به‌طور ناگهانی پایان می‌پذیرد و هیچ‌وقت تا داروخانه‌های متعدد و دادن داروهای مختلف با جرم مشابه بودن بدون تماس با پزشک و یا احیاناً تا کنار خیابان‌ها برای پیدا کردن دارو و ... ادامه نمی‌یابد چرا؟؟

آیا در مورد وضعیت داروخانه، و نحوه ارایه خدمات در آن حرفی برای گفتن وجود ندارد؟؟

بنده از حدیث مکرر اوضاع داروخانه می‌گذرم و فقط به این نکته اشاره می‌کنم که کسی منکر مشکلات موجود در جامعه هم در محدوده پزشکی و مطب و هم در مورد داروساز و داروخانه نیست ولی آیا این قضاوت یک جانبه نیست که مسایل مربوط به پزشک و مطب در نشریات داروسازی و مسایل مربوط به داروساز و داروخانه در نشریات پزشکی عنوان شود؟؟

و از همه این‌ها مهم‌تر آیا صرف بیان مشکلات و محدودیت‌های موجود و عدم بررسی ریشه‌ای آن‌ها و ارایه پیشنهاد و راهنمایی‌های لازم در جهت رفع مشکل جز اتلاف وقت و هزینه چیز دیگری نیست؟»

□ تمام تلاش دست‌اندرکاران رازی که آمیزه‌ای از

پزشک و داروساز است، در جهت رفع سوء تفاهمات و ایجاد حق همکاری و همیاری میان پزشکان و داروسازان است. متاسفیم که در فضای سرشار از سوء تفاهم، بیان هر مشکلی به عمیق‌تر شدن سوءتفاهمات می‌انجامد. توجه بفرمایید که پاسخ‌گویی به مطلب آبان ۷۲، در خرداد ۷۳ انجام گرفته و تراکم مطالب ما را وادار به چاپ این مطلب در آبان ۷۳ کرده است. حاصل کار را می‌توان به گردانیدن چاقویی در یک زخم کهنه تشبیه نمود. دوستان، عزیزان دانشجویان: پزشک و داروساز دو دست یک پیکرند بیایید «مهربانی دست‌ها» را پاس بداریم.

■ آقای دکتر علی ابراهیم، داروساز (زاهدان)

با نامه تفقدآمیزشان، مسؤولین ماهنامه را به‌خصوص از بابت انتشار و ارسال ماهنامه به نقاط دورافتاده کشور، مورد مرحمت قرار داده‌اند که ما هم متقابلاً سپاسگزاری می‌کنیم.

■ آقای شهرام صارمی، دانشجوی سال آخر داروسازی (تهران)

چندین سؤال از سوی این همکار جوان در ارتباط با مقاله «سوء استفاده از داروهای آنابولیک» از نویسنده آن مقاله شده است. به استحضار ایشان می‌رسانیم که مقاله مورد نظر یک مقاله ارسالی از سوی خوانندگان بود و نویسنده عضو کادر تحریریه رازی نیست اما برای پاسخ‌گویی به سؤالاتی که مطرح فرموده‌اید شما را به کتابی که در ماهنامه مرداد ماه صفحه ۵۴ معرفی شده (کاربرد غیرمجاز داروها در ورزش) رجوع می‌دهیم.

■ آقای دکتر سروش سرداری (کانادا)

آقای دکتر سرداری، همکار قدیمی ماهنامه، که برای تکمیل تحصیلات (دوره PhD) در کانادا به‌سر می‌برند، مقاله‌ای خواندنی در مورد دانشجویان اعزامی به خارج تهیه و به دفتر ماهنامه ارسال نموده‌اند که ضمن تشکر از لطفشان، مقاله را در شماره‌های آتی ملاحظه خواهید فرمود. برای ایشان موفقیت در تحصیل و سعادت و سلامت در زندگی را آرزو می‌کنیم.

■ آقای دکتر فروغی، پزشک (همدان)

در نامه‌ای همکار محترم ما آقای دکتر پورغلامی را مخاطب قرار داده و نوشته‌اند: «... مقاله جالب شما را در شماره تیر ماه ۷۳ رازی خواندم. به عرض آن برادر عزیز می‌رسانم که با دوز کمتر از این مقدار هم جلوگیری از بارداری تجربه شده است اما ...

برادر عزیز نسخه می‌شود هیچ داروخانه‌ای ندارد هر عدد ۲۰۰۰۰ ریال خریداری بشود، نیست. همه مطالبی که شما نوشته‌اید جالب است اما ما آن را می‌شناسیم نسخه می‌کنیم به‌دست نمی‌آید و بالاخره جلوگیری از حاملگی منفی از آب در می‌آید و باز هم جمعیت اضافه می‌شود.

با عرض احترام و تشکر از زحمات شما.»

خوانندگان گرامی؛

مقاله‌ای که در شـماره ۱۰ سال پنجم (آبان ماه ۱۳۷۳) ماهنامه دارویی رازی تحت عنوان «مصرف داروها در بیماری‌های کبدی» به چاپ رسیده است مترجم آن جناب آقای دکتر علیرضا محجل نائبی دسـتیار گروه فارماکولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی می‌باشند که به‌دلیل اشتباه‌های فنی نام ایشـان حذف گردیده است. بدین‌وسیله ضمن تصحیح موضوع از ایشـان و شما خوانندگان عزیز ماهنامه دارویی پوزش می‌طلبیم.